

اریش ماریا رُمارک

از عشق با من حرف بزن



برگردان از متن فرانسه:

پرویز شهبادی



نشر به سخن

نیم‌لب قشون

نیم‌لب قشون



- سرشناسه: رُماریک، اریش ماریا ۱۸۹۸-۱۹۷۰، Remarque, Erich Maria
- عنوان و نام پدیدآور: از عشق با من حرف بزن / اریش ماریا؛ ترجمه‌ی پرویز شهدی.
- مشخصات نشر: تهران: انتشارات به‌سخن، ۱۳۹۶.
- مشخصات ظاهری: ۵۴۴ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
- شابک: 978 - 600 - 7987 - 43 - 8
- وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
- یادداشت: عنوان اصلی: Arc de triomphe, 1948.
- یادداشت: چاپ قبلی کتاب حاضر تحت عنوان «طاق نصرت» توسط نشر دشتستان در سال ۱۳۸۱ منتشر شده است.
- عنوان دیگر: طاق نصرت.
- موضوع: داستان‌های آلمانی - قرن ۲۰ م. German fiction - 20th century
- شناسه افزوده: شهدی، پرویز، ۱۳۱۵ - ، مترجم.
- رده‌بندی کنگره: PT۲۶۲۲ / ط ۲ ۱۳۹۶
- رده‌بندی دیویی: ۸۳۳ / ۹۱۴
- شماره کتابشناسی ملی: ۴۹۷۰۵۳۷



ار عشق با من حرف بزن

از من ماریا ژماک

ترجمه و پرویز مهدی

چاپ اول، تهران، ۳۹۷ ه. ش.

۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی گلپاگرافیک، چاپ دوم

طرح جلد: محسن سعیدی

تمامی حقوق این اثر محفوظ است.

شابک: ۸-۴۳-۷۹۸۷-۶۰۰-۹۷۸

ناشر همکار: انتشارات مجید

آدرس دفتر: تهران، خ ۱۲ فروردین، کوچه نوروز، پلاک ۱، واحد ۲

تلفن: ۶۶۴۹۵۷۱۳-۶۶۴۹۱۵۸۸

وبسایت: www.majidpub.com

Telegram: @majidpub

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

فهرست

۷	پیشگفتا
۱۱	فصل نخست
۲۳	فصل دوم
۳۵	فصل سوم
۵۱	فصل چهارم
۷۱	فصل پنجم
۹۰	فصل ششم
۱۰۱	فصل هفتم
۱۱۳	فصل هشتم
۱۳۰	فصل نهم
۱۴۶	فصل دهم
۱۶۲	فصل یازدهم
۱۷۷	فصل دوازدهم
۱۹۵	فصل سیزدهم
۲۱۵	فصل چهاردهم
۲۲۷	فصل پانزدهم
۲۳۹	فصل شانزدهم
۲۵۳	فصل هفدهم
۲۷۱	فصل هجدهم
۲۸۳	فصل نوزدهم

۳۰۱	فصل بیستم
۳۱۹	فصل بیست و یکم
۳۳۳	فصل بیست و دوم
۳۴۹	فصل بیست و سوم
۳۶۸	فصل بیست و چهارم
۳۸۸	فصل بیست و پنجم
۴۱۰	فصل بیست و ششم
۴۲۷	فصل بیست و هفتم
۴۴۰	فصل بیست و هشتم
۴۵۵	فصل بیست و نهم
۴۷۰	فصل سی ام
۴۸۵	فصل سی و یکم
۴۹۸	فصل سی و دوم
۵۱۷	فصل سی و سوم

پیشگفتار

اریش مار رمارک نویسنده‌ی آلمانی در سال ۱۸۹۸ در اوستابروک آلمان به دنیا آمد و در سال ۱۹۷۰ در لوکارنو سوییس از دنیا رفت. اجدادش از فرانسویانی بودند که به هنگام انقلاب به آلمان مهاجرت کردند. پدر و مادرش پیش از جنگ جهانی اول در راین سکونت داشتند.

جنگ که شروع شد، رمارک شانزده ساله بود و در دبیرستان تحصیل می‌کرد. به تشویق دبیران دبیرستان و تحت تأثیر تبلیغات جنگ طلبانه، به اتفاق همکلاسی‌هایش برای خدمت سربازی ناگزیر ریسی کرد و پس از مدت کوتاهی تمرین‌های نظامی به جبهه اعزام شد. خیلی زود متوجه شد که تبلیغات دروغین یک چیز و جنگ چیز دیگری است. بیشتر دوستانش در جبهه‌های گوناگون کشته شدند. پس از پایان جنگ و شکست آلمان، در ارضاء دشوار و نابه‌سامان اقتصادی و اجتماعی کشور، به دنبال کار به هر دری زد. به تازمه‌ای که نیندیشیده بود، نویسندگی بود. سرانجام تصمیم گرفت خاطرات و تجربه‌های جنگی‌اش را به صورت کتابی منتشر کند. «در غرب خبری نیست» در سال ۱۹۲۹ منتشر شد. هیچ‌کس تا آن موقع جنگ را به این شکل توصیف نکرده بود. نه از قهرمانی و قهرمان‌بازی خبری بود و نه از صحنه‌پردازی‌های شاعرانه و توصیف‌های اغراق‌آمیز دروغینی که معمولاً در داستان‌های جنگی تا آن موقع آورده می‌شدند. حقیقت بود، حقیقت تلخ و بزرگ‌ترین فاجعه‌ی بشری در کشتاری بی‌رحمانه و وحشیانه، به خاطر جاه‌طلبی‌ها و سودجویی‌های مستی قدرت طلب.

کتاب اقبال فراوانی یافت، میلیون‌ها نسخه از آن فروخته شد و به بیش‌تر

زبان‌های زنده‌ی دنیا ترجمه شد. پس از به قدرت رسیدن هیتلر و ناسیونال سوسیالیست‌ها، رمارک و کتابش مورد انتقاد شدید قرار گرفت و آن را توهینی به شئون ملی قلمداد کردند. حتی متهم شد که در جنگ شرکت نکرده و این نوشته‌ها را از یکی از دوستان کشته شده‌اش دزدیده است.

رمارک که خطر را نزدیک می‌دید، ابتدا به سویس و سپس در سال ۱۹۴۰ به آمریکا پناه برد. دو سالی را در هالیوود گذراند و در سال ۱۹۴۲ به نیویورک رفت و تا سال ۱۹۴۵ در آن‌جا سکونت کرد. پس از خاتمه‌ی جنگ، سال‌های زندگی‌اش را به تناوب در سویس و فرانسه گذراند.

حق تألیف کتاب‌ها و فیلم‌هایی که از آن‌ها تهیه شد، زندگی مرفهی برای رمارک فراهم کرد که ضمن نویسندگی، به جمع‌آوری آثار هنری از جمله تابلو، ای نقاشان، جست‌های امپرسیونیست و فرش‌های نفیس ایرانی پرداخت. رمارک برای نوشتن رمان‌هایش شتابی به خرج نمی‌داد و از سر تقنن می‌نوشت. ولی همان حداد کتابی که از او به جا مانده، از قدرت توصیف، روشن‌بینی و واقع‌گرایی اصم برخوردار است. «در غرب خبری نیست»، «بعد»، «کورسوی زندگی»، «زمانی برای دوست داشتن، زمانی برای مردن»، «ستون سنگی سیاه»، «روزی که حریفان ندمید»، «تبعید شده‌ها»، «سرنوشت را گریزی نیست» و «رفقا» از جمله آثار اوست.

موضوع داستان‌هایش دو جنگ بزرگ جهانی و پی آمدهای آن است. افشاکننده‌ی انحطاط و زوال تمدن در اروپا، آهنگار آیه‌ای علیه وحشی‌گری‌هایی است که لعاب میهن‌پرستی و دفاع از حیثیت ملی، حمایت از صلی به آن زده‌اند. رمارک قلمی تلخ و طنزی گزنده دارد. دو تم اصلی‌اش مرگ و زندگی است، شخصیت‌هایش عاشق زندگی‌اند، اما شرایط دشوار اجتماعی چنان آن‌ها را در تنگنا قرار می‌دهد که جز مرگ راه چاره‌ی دیگری نمی‌یابند. جمله‌های کوتاه و صریح است. از حشو و زواید داستانی و صحنه‌پردازی‌های ساختگی در آن‌ها اثری نیست. افراد داستان‌هایش از هرگونه ویژگی‌های قهرمانی و گزافه‌گویی، چه در زندگی خصوصی‌شان، چه در عشق‌هایشان و چه در روابط اجتماعی‌شان بری‌اند.

اگرچه رمارک برای خوانندگان ایرانی، نویسنده‌ی گمنامی نیست، ولی در ترجمه‌هایی که از چند کتاب او، از جمله: «در غرب خبری نیست»، «بعد»،

«کورسوی زندگی» و «زمانی برای دوست داشتن، زمانی برای مردن» آرایه شده، ارزش و قدرت نویسندگی اش چنان که شایسته‌ی اوست، منعکس نشده است. امیدوارم کتاب حاضر گرامی داشت قلم و طرز فکر نویسنده‌ی بی‌ادعایی باشد که دنیا را با نوشته‌هایش تکان داد و وجدان بشری را بیدار کرد.

پ.ش.

www.ketab.ir